

مصحف آموزشی زبان قرآن

پدیدآورندگان:

دکتر محسن رجبی قدسی

دکتر حسین مرادی زنجانی

بهمن ۱۳۹۵

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. و افضل الصلوة و السلام على رسول الله، خاتم النبيين و الائمة الطاهرين.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب، ۲۱). «اسوة حسنه» در حوزه تعليم و تعلم قرآن، «آموزش زبان قرآن» است؛ يعنى هدف و فلسفه آموزش قرآن در سيرة مرضيه خاتم پيامبران عبارت است از «آموزش يك زبان». زبان قرآن بنا به ماهيت و موقعيت قرآن، زباني است جهاني و بين المللي كه همه مردم جهان با هر لهجه و زبان و گويشي كه به آن سخن مي گویند، مخاطب آن هستند و مي توانند به راحتی همان طور كه زبان مادري شان را فراگرفته اند، زبان قرآن را نيز بياموزند و با آن سخن بگویند و در اين ميان، فرقي ميان عرب زبان و غير عرب زبان و باسواد و بي سواد اصطلاحي وجود ندارد. بنابر تعليم پيامبر اكرم (ص)، قرآن مجيد به هفت حزب تقسيم مي شود؛ حزب هفتم قرآن از سورة قاف تا سورة ناس (جمعاً ۶۵ سورة) كه از سوي رسول خدا، «حزب مُفَصَّل» نام گذاري شده، «متن درسي آموزش زبان قرآن» است، البته تعليم زبان قرآن از سورة ناس شروع و به سورة قاف ختم مي گردد.

روش آموزش زبان قرآن در سيرة نبوي، سمعي - شفاهي (شنيداري - گفتاري) است، يعنى تعليم قرآن هيچ گاه با روخواني و آموزش حروف و حركات و متن مكتوب قرآن آغاز نمي شود، بلكه معلم آيات را شمرده شمرده با صدائي بلند و غرّاء، بدون صوت و لحن عربي و تجويد و ترتيب مرسوم مي خواند^۱ و متعلمان پس از گوش سپردن به آيات، آنها را مانند معلم تكرار مي كنند و مي خوانند. با

^۱ نك: آموزش قرآن در سيرة نبوي، تأليف محسن رجبى قدسى، حسين مرادى و مهدي غفّارى، ص ۲۵-۷۷، (مشهد مقدّس، بنياد پژوهشهاي اسلامي آستان قدس رضوي، ۱۳۹۱).

چند بار تکرار، آیات از قلب و زبان معلّم وارد قلب و زبان متعلّم می‌گردد. در عهد نبوی به این انتقال، «تعلیم قرآن» گفته می‌شد؛ البته منظور از این انتقال، حفظ دقیق و بدون هیچ‌گونه خطا و اشتباهی در خواندن نیست، بلکه هدف، «حمل» قرآن و آشنایی با نمای کلی آیات و سوره‌هاست به طوری که آیات و فرازهای قرآن پیش از هر جمله دیگری بر سر زبان قرآن‌آموز حاضر باشد، گرچه آن سوره را دقیق و کامل از بر نباشد.

پس از فراگیری هر سوره یا چند آیه، قرآن‌آموزان تشویق می‌شوند آنها را با رعایت آدابی رونویسی کنند، مانند اینکه آیات را از حفظ ننویسند و حتماً از مصحف‌های معتبر چاپی استفاده کنند؛ بهتر است بنا به توصیه امام صادق(ع) با رنگ سیاه روی صفحه کاملاً سفید کتابت کنند؛ و مانند خط کوفی که خط قرآن است، بدون نقطه و اعراب بنویسند تا وقتی هم از روی نوشته می‌خوانند در واقع متکی به شنیده‌های قبلی تلاوت کنند. رعایت این نکات سبب استقرار و تحکیم آموخته‌های شفاهی می‌شود و نخستین زمینه‌های تدبّر و دقّت در متن کلام الله را فراهم می‌آورد و به قول امام صادق(ع) مانع هدر رفتن قرائت می‌شود.

برای تثبیت آموزش می‌توان در هر جلسه آموزش، مقداری از وقت را برای تکرار و تمرین اختصاص داد و آیات را به شیوه‌هایی مانند همخوانی، مقارنه میان استاد و دانشجویان یا دو گروه از قرآن‌آموزان یا زنجیره‌ای خوانی تکرار کرد. فقط باید توجه شود که قرآن‌آموزان کلاس به عناوینی مانند زنگ‌ها و تبل‌ها، خوش صداها و بد صداها، پیشرفته‌ها و پس‌رفته‌ها تقسیم نشوند، بلکه آن‌دسته از دانشجویانی که قرآن را سریع‌تر فرا می‌گیرند در تعلیم مشارکت داده شوند تا آنان نیز نقش معلّمی را در کلاس تجربه کنند و یادآور شود که همه در این فضیلت که قرآن را فرامی‌گیرند یکسان هستند و کسی بر دیگری برتری ندارد. همچنین، مطابق آموزه‌های نبوی، خداوند به کسی که قرآن را با کُندی و سختی یاد می‌گیرد، دوبرابر اجر و پاداش می‌دهد.

در فضای آموزش زبان قرآن، هر گونه که قرآن بر زبان قرآن‌آموز جاری و روان شود، درست و صحیح است و اصولاً چیزی به عنوان «غلط‌خوانی» نداریم. بنابراین، هیچ‌کس حتّی معلّم حقّ بازخواست از قرآن‌آموز را ندارد و نباید قرائت نادرست او را در جمع و حضور دیگران تصحیح کند، بلکه با

تکرارهای مکرر و توصیه به نوشتن قرآن او را در مسیر تصحیح قرار می‌دهد، شیوه‌ای که امروزه در علم تعلیم و تربیت، شیوه «خودتصحیح» نام گرفته است.

در لسان قرآن و احادیث بر «تیسیر» (= آسان‌سازی آموزش) قرآن و قرائت آن و بستن راه هرگونه سخت‌گیری در آن فراوان تأکید و توصیه شده است تا آیات قرآن ذکر زبان و قلب مردم گردد. «تعسیر» و ایجاد دشواری و سختی با هر استدلال و بهانه‌ای، نتیجه‌ای جز «تنفر» و دوری دانشجویان از قرآن را در پی نخواهد داشت و مانع انس و مجالست و همنشینی و هم‌صحبتی اقشار مختلف مردم با قرآن می‌گردد.

چون هدف از آموزش قرآن، آموزش زبان قرآن است، نیازی به آموزش جداگانه مفاهیم و ترجمه نیست، بلکه با انواع «تمرین‌های تصریفی» (خواندن آیات مشابه هم) و کوشش برای پیدا کردن «محور موضوعی» سوره‌ها با راهنمایی استاد، دانشجویان به تدبّر و فهم آیات و سوره‌ها سوق داده می‌شوند.^۲ البته اگر دانشجویان بخواهند یافته‌های خود را به صورت «علمی» و «عمومی» ارائه دهند، هرچه اطلاع آنان از این حوزه‌ها بیشتر باشد، در ارائه و تدوین آن موفق‌تر خواهند بود.^۳

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که «قرآن را با زبان خودش باید فهمید. ترجمه قرآن نمی‌تواند قرآن باشد... به نظر من با قرآن باید انس گرفت. اگر کسی عربی هم نمی‌داند... اگر چندبار با دقت بخواند، به تدریج یک فهم و برداشتی از قرآن پیدا می‌کند... قرآن تدبّر می‌خواهد... هیچ‌کدام از کتاب‌های دینی جای قرآن را نمی‌گیرد».

پیامبر اکرم به موازات تعلیم قرآن، پی‌جویی و اصرار بر فهم هر آنچه در قرآن مکتوب و مقروء، برای قرآن‌آموز، غریب و دیرآشنا به نظر می‌آید را توصیه فرموده‌اند^۴ که متأسفانه فقط در علم مفردات قرآن

^۲. برای مطالعه بیشتر نک: آموزش زبان قرآن (روش‌شناسی، درسنامه، کتاب معلم، طرح درس، خودآموز)، تألیف دکتر محمدعلی لسانی فشارکی و مهدی غفاری (قم: نشر زیتی، ۱۳۹۰).

^۳. برای آشنایی بیشتر نک: روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، تألیف دکتر محمدعلی لسانی فشارکی و دکتر حسین مرادی زنجانی، ص ۲۰-۱۱۴ (قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱).

^۴. «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ وَتَعَلَّمُوا غَرَائِبَهُ» یا «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ، وَالتَّمَسُّوا غَرَائِبَهُ»؛ یعنی قرآن را روشن و واضح بخوانید و مصرانه غرائب آن را پی‌جویی و جست‌وجو کنید تا از آن‌ها آگاه شوید (امالی شیخ طوسی، ص ۳۵۷؛ المصنّف ابن ابی شیبّه، ۱۱۶/۶).

اندکی به آن توجه شده است. در حالی که این تعلیم نبوی می‌توانست جایگزین بسیار مناسبی برای ترجمه‌ها باشد. از این رو، در بخش دوم مصحف آموزشی زبان قرآن کوشش شده است ذیل عنوان هر یک از سوره‌ها از ناس تا قاف، ابتدا نکات مهم آموزشی مرتبط با وضع خاص هر سوره مطابق طرح جامع «آموزش زبان قرآن» بیاید تا استادان را در تعلیم سوره‌ها کمک و یاری کند؛ سپس مفردات هر سوره بر مبنای کتب لغت و فرهنگنامه‌های قرآنی و تدبیر در سیاق آیات تبیین می‌شوند؛ و در ادامه مباحث سوره‌شناسی (وجه تسمیه سوره، مکی یا مدنی بودن سوره، محور موضوعی سوره و نمایی کلی از محتوای سوره)؛^۵ و نکات مهم تفسیری هر سوره به کمک کتب تفسیری خواهد آمد. در بخش نخست مصحف آموزشی زبان قرآن نیز متن سوره‌های حزب مفصل (به ترتیب از سوره قاف تا سوره ناس) با دو خط نسخ نیریزی و کوفی چاپ شده است. با این توضیح که پس از مقدمه، در صفحات فرد، سوره‌های حزب مفصل با خط نسخ نیریزی و بر اساس صفحه‌بندی رایج مصاحف (۶۰۴ صفحه‌ای) تدوین شده‌اند؛ و در صفحات زوج که متناظر صفحه‌های فردند، سوره‌های حزب مفصل با خط کوفی و بر اساس ضوابط کتابت قرآن، مذکور در طرح جامع آموزش زبان قرآن چاپ شده‌اند.

Email: rajabiqodsi@gmail.com

hmoradiz@yahoo.com

^۵ برای تفصیل بیشتر نک: سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم)، تألیف دکتر محمدعلی لسانی فشارکی و دکتر حسین مرادی زنجان، ص ۵۰-۲۰۲، (قم، نصاب، ۱۳۹۴).

بخش اوّل:

متن سوره‌های حزب مفصل از سوره قاف تا سوره ناس

بخش دوم:

نکات آموزشی، مفردات، سوره‌شناسی و نکات تفسیری سوره ناسی تا قاف

سورة مبارکه ناس

نکات آموزشی:

برای تعلیم هر سوره‌ای ابتدا استاد یکی دوبار با صدای بلند و غزّا و به صورت ساده و مُقَطَّع سوره را از بر می‌خواند و قرآن‌آموزان تکرار می‌کنند. سپس يك شَمای کَلّی از سوره در اختیار قرآن‌آموزان قرار می‌گیرد که این سوره چه نام دارد، آیه نخست آن چیست، آیه آخر کدام است، چند آیه و چند فراز دارد، نام سوره از کدام آیه گرفته شده است؟ سپس سوره را پنج‌آیه، پنج‌آیه به روش شنیداری - گفتاری تعلیم می‌دهیم؛ یعنی معلّم، هر آیه یا فراز را واضح و رسا می‌خواند و قرآن‌آموزان آن را تکرار می‌کنند (این شیوه بسته به وضعیّت قرآن‌آموزان دو یا سه بار می‌تواند تکرار شود).

در ادامه، معلّم قسمت عمده آیه را می‌خواند و قرآن‌آموزان با خواندن کلمه پایانی، آیه را تکمیل می‌کنند و به همین ترتیب، قسمت خوانده‌شده توسط معلّم به تدریج کم می‌شود و تکمیل قرآن‌آموزان افزایش می‌یابد:

مرحله اوّل:

معلّم: قل اعوذ برب الـ	قرآن‌آموزان: ناس.
معلّم: ملك الـ	قرآن‌آموزان: ناس.
معلّم: اله الـ	قرآن‌آموزان: ناس.
معلّم: من شر الوسواس الـ	قرآن‌آموزان: خناس.
معلّم: الذى يوسوس فى صدور الـ	قرآن‌آموزان: ناس.
معلّم: من الجنّة و الـ	قرآن‌آموزان: ناس.

مرحله دوم:

معلّم: قل اعوذ	قرآن‌آموزان: بربّ الناس.
----------------	--------------------------

.....

معلّم: من الجنّة قرآن آموزان: والناس.

مرحله سوّم:

معلّم: قل قرآن آموزان: اعوذ برّ الناس.

.....

معلّم: من قرآن آموزان: الجنّة والناس.

در پایان معلّم و قرآن آموزان با هم سورة ناس را همخوانی و مقارنه می کنند.

مفردات:

أَعُوذُ (عوذ): پناه می برم، ملازم [و همراه و همدم] می شوم تا بدی ها را از خود دور کنم.

رَبِّ (رب ب): پروردگار، سرور، صاحب

مَلِك: پادشاه، صاحب اختیار، فرمانروا

إِلَه: معبود، [کسی که همه والِه و شیدای اویند و او را یاد می کنند و از او سخن می گویند].

شَرّ (ش رر): بد، بدی

وَسْوَاس: وسوسه گر، وسوسه کننده، یعنی اندیشه بد در دل افکننده

خَنَّاس (خن س): پنهان شونده، واپس خزنده

صدور (مفرد آن صدر): سینه، آن قسمت از بدن که میان گردن و شکم قرار دارد؛ چون قلب که مرکز حیات و روح انسان است در سینه جای دارد، صدر به «قلب» و منشأ «حیات» نیز اطلاق شده است.

جَنَّة (جن ن): پریان، [موجوداتی که از چشم و دیگر حواس ما مخفی و پوشیده اند؛ اگر «ة» را نای مبالغه بدانیم، یعنی موجودات بسیار مخفی و پوشیده].

سوره‌شناسی:

سوره ناس آخرین سوره در ترتیب مصحف شریف (ترتیب تلاوت) و نخستین سوره در ترتیب آموزشی- پژوهشی قرآن کریم است. این سوره شش آیه دارد و در مکه مکرمه نازل شده است. نام سوره از کلمه «ناس» که در آیه نخست و چهار آیه دیگر به کار رفته اخذ شده است، و چون نخستین سوره قرآن است که مردم آن را می‌آموزند، نام‌گذاری آن به «ناس» (= مردم) و تکرار آن شایان تأمل و تدبّر است. سوره ناس بیان‌گر آن است که انسان و جامعه انسانی همواره در معرض سخنان، وسوسه‌ها، شرها، نیرنگ‌ها، مکرها و حيله‌های گوناگونی است که سلامت او را تهدید می‌کنند (ده بار تکرار حرف «سین» در چهار کلمه «ناس»، «وسواس»، «ختّاس» و «یوسوس» تداعی‌کننده این فضا است). بیشتر این ترفندهای گمراه‌کننده و غفلت‌زا از سوی اربابان، پادشاهان، امیران، فرمانروایان و معبودهایی که خود را مالک و صاحب مردم می‌پندارند، سازماندهی و القا می‌شود تا انسان و جامعه بشری را غلام و برده حلقه به‌گوش خود کنند. البته این خطرهای مختلف از درون انسان و دیگر مردمانی که گاهی آشکار و شناخته‌شده‌اند و زمانی پنهان و مخفی‌اند نیز نشئت می‌گیرد؛ از این رو، سوره با فرمان «قل» (بگو - بشنو و بگو) و لزوم همراهی و هم‌صحبتی با «رب»، «مالک» و «اله» حقیقی همه مردمان عالم، انسان‌ها را به مبارزه بی‌امان با این وسوسه‌های خطرناک دشمنان درونی و برونی فرامی‌خواند.

نکات تفسیری:

۱. قل: کلمه «قل» در آغاز این سوره و برخی دیگر از سوره‌ها و آیات، حاکی از ماهیت حقیقی قرآن است که پیامبر اکرم عیناً از خداوند دریافت کرده و به مردم ابلاغ نموده‌اند. اگر مخاطب قرآن فقط پیامبر اکرم بود، این کلمه در آغاز این سوره نمی‌بایست قرار می‌گرفت. زیرا در این فرض خداوند از آن حضرت می‌خواهد که بگوید: «اعوذ برب الناس...»؛ بنابراین معنا ندارد که آن حضرت در مقام امتثال از خداوند، خود کلمه قل را هم بر زبان آورد.

بنابراین جاودانه شدن کلمه قل در این سوره و سوره های مشابه، حاکی از این حقیقت بسیار مهم و با عظمت است که قرآن سخن خدا و بلکه سخن گفتن خداست.

۲. گفتنی ترین گفتنی های عالم: با این که این سوره و سوره های مشابه، آشکارا، گفتن چیزهایی را از ما طلب می کنند، اما کمتر کسی است که خود را مخاطب این سوره ها ببیند و احساس کند که در قبال این طلب، عکس العملی باید از خود بروز دهد. این سوره از ما می خواهد چیزهایی بگوییم. اما اگر خوب دقت کنیم و نیم نگاهی به گفته های خود افکنیم، خواهیم دید که ما همه چیز می گوییم و می شنویم، غیر از چیزهایی که خداوند از ما می خواهد بگوییم و بشنویم.

۳. گفتمان توحید: خداوند با احاطه ای که به هستی دارد، از میان همه ی چیزهایی که می شود گفت و شنید، چندین جمله را برگزیده و آنها را در این سوره ها به انسان دیکته می کند. جملاتی که گفتن آنها اهمیت و موضوعیت داشته و نگفتن آنها خطرات مهلکی را به دنبال دارد. همین گفتن هاست که گفتمان توحید ایجاد می کند و در نتیجه به مرور، انسان را در آغوش ربّ الناس و ملک الناس و اله الناس و نه خود ناس قرار می دهد و همین نگفتن هاست که گفتمان شرک را به طور کاملاً خزنده در میان ما تزریق می کند.

۴. وسواس خناس: هر چند کتب لغت و تفسیر، معانی مختلفی را برای خناس بر شمرده اند، اما بهترین تعریف خناس، همان است که در دو آیه ی بعدی آمده است: «الذی یوسوس فی صدور الناس. من الجنة والناس». خداوند از میان همه اوصاف خطرناکی که این موجود می تواند داشته باشد، تنها به یک مورد اشاره کرده است و آن این است که خناس، سینه انسان ها را نشانه رفته است؛ مکانی که جایگاه قلب است.

سؤال و تمرین:

۱. اگر کلمه قل را از آغاز سوره حذف کنیم، چه اتفاقی می افتد؟
۲. میان پناهگاه (رب الناس) و خطری که از شرّ آن باید پناه برد، چه سنخیت و تناسبی برقرار است؟
۳. اگر سوره ناس را تنها در دو آیه از آن خلاصه کنید، کدام آیات را برمی گزینید.

۴. به نظر شما سوره ناس پیرامون چه محوری می چرخد و چه اهداف و مقاصدی را دنبال می کند؟

۵. وسواس خناس در زندگی ما چه مصادیقی می تواند داشته باشد؟

۶. اگر روزی به دستور «قل» عمل کنیم و گفتمان «اعوذ برب الناس...» را بر زندگی خود حاکم کنیم، زندگی مان چه صورتی به خود خواهد گرفت؟

۷. بنابر آخرین آیه این سوره، خناس، هم از جنیان است و هم از آدمیان؛ آیا تاکنون احتمال داده ایم که مبادا ما هم از مصادیق خناس باشیم؟!

سوره مبارکه فلق

نکات آموزشی:

معلم می‌تواند به کمک مقارنه، میزان یادگیری قرآن‌آموزان را بسنجد، پس اگر آیه‌ای خوانده شد و قرآن‌آموزان آیه پس از آن را خواندند؛ یا اگر نصف آیه خوانده شد و نیمه دیگر را تکمیل کردند؛ یا قرآن‌آموزان توانستند آن سوره یا پنج آیه را از روی متن مکتوب (نوشته) بدون نقطه و اعراب بخوانند، نشانه یادگیری آنهاست و معلم می‌تواند سوره یا پنج آیه بعدی را آموزش دهد. بنابراین، لازم نیست قرآن‌آموزان را با تکرارهای مکرر معطل کنیم و آنان را به سمت «حفظ» قرآن سوق دهیم. زیرا هدف، «حمل» قرآن و آشنایی با نمای کلی آیات و سوره‌هاست به طوری که آیات و فرازهای قرآن بیش از هر جمله دیگری بر سر زبان قرآن‌آموز حاضر باشد، گرچه آن سوره را دقیق و کامل از بر نباشد.

در تعلیم می‌توانیم ابتدا کلمات پایانی آیات را آموزش دهیم؛ یعنی نخست، معلم کلمات پایانی آیات پنج‌گانه را دو یا سه مرتبه می‌خواند و قرآن‌آموزان آنها را تکرار می‌کنند؛ سپس معلم قسمت اول آیه را می‌خواند و قرآن‌آموزان با خواندن کلمه پایانی، آیه را تکمیل می‌کنند و به همین ترتیب، قسمت خوانده‌شده توسط معلم به تدریج کم می‌شود و تکمیل قرآن‌آموزان افزایش می‌یابد. برای نمونه در آموزش سوره فلق پس از یکی دوبار تلاوت و تکرار سوره و معرفی آن، ابتدا پایانی آیات را چون نظام‌هنگ دارند در سه ردیف: «فلق، خلق»؛ «وقب، عقد»؛ «حسد» تعلیم می‌دهیم، سپس مطابق آنچه در سطور بالا گفته شد، عمل می‌کنیم.

مفردات:

فلق: هر گونه سر شکاف شدن قشر و پرده‌ای است که از آن پدیده‌ای رخ بنماید و سر برآورد (به معنای مصدری)؛ یا به پرده و پوسته‌ای که شکافته شده یا پدیده‌ای که از درون آن سر می‌زند فلق گویند (به معنای مفعولی). بنابراین، «سپیده‌دم» (شعاعی که از شکافته شدن تاریکی پدید می‌آید) یکی از مصادیق فلق است. از این رو، گیاه و جانوری که از تخم و بذر و زمین سر بر می‌آورد؛ چشمه‌هایی که

از دامنۀ کوه، و بارانی که از دل ابر فرو می‌ریزد؛ اعمالی که تیت آدمی نشئت می‌گیرد همه از مصداق‌های بارز «فلق» است.

شَرّ (شرر): بدی، پارهٔ آتش که بجهَد، [آثار وجودی هر چیزی؛ بنابراین، ترجمۀ شَرّ به «بدی» از آن روست که گاهی انسان از آثار وجودی افراد، اشیاء و پدیده‌های اطراف خود غافل می‌شود و نمی‌تواند رابطه خود را با آنها به درستی تنظیم کند، در نتیجهٔ آنچه به او می‌رسد را ناپسند و بد می‌پندارد].
خلق: آفریدن و اندازه کردن

غاسق (غسق): هر هجوم آورندهٔ به بدی و زیان (همچون کفر، شرک، فساد، ظلم، خیانت و ...)، [هر کس یا هر چیزی که نابجا و بی‌موقع بیاید و بازدارنده باشد]؛ بنابراین، شبِ بس تاریک، یکی از مصداق‌های غاسق است.

وقب: روی آوردن، درآمدن، داخل شدن، [این معانی از مجاورت با «غاسق» پدید آمده‌اند؛ در حالی که «وَقَبَ» از نظر اشتقاق آوایی با «وَقَفَ» همخانواده است؛ از این رو، معنای دقیق آن «بازدارندگی» است].

نَفَاثَات (نفت): بسیار دمنندگان

عُقَد (مفرد آن عقده): گره و بستگی، اطراف چیزی را جمع کردن و آن را محکم و استوار ساختن
حسد: بد خواستن، رشک بردن

سوره‌شناسی:

سورهٔ فلُق یکصد و سیزدهمین سوره در ترتیب مصحف شریف (ترتیب تلاوت) و دومین سوره در ترتیب آموزشی - پژوهشی قرآن کریم است. این سوره پنج آیه دارد و در مکه مکرمه نازل شده است. نام سوره مطابق قاعدهٔ کلی نامگذاری سوره از کلمهٔ «فلُق» در آیه نخست گرفته شده است، همچنین کلمهٔ «فلُق» تنها یکبار در قرآن و در همین سوره به کار رفته است. سورهٔ فلُق نیز مانند سورهٔ ناس با فراز «قل اعوذ» آغاز می‌شود. از این رو، رسول خدا این دو سوره را «مُعَوِّذَتَین» نامیده‌اند که حکایت از زوج بودن این دو سوره دارد. بنابراین، کار این دو سوره «تعویذ» است، یعنی انسان و جامعهٔ انسانی را در پناه خداوند قرار می‌دهند تا از شر همهٔ مخلوقات در امان بمانند. سورهٔ فلُق را می‌توان در

دوبخش به نظاره نشست: در بخش نخست، یعنی آیات ۱ و ۲، همه مخلوقات خداوند را بدون هیچ گونه استثنایی دارای شرّ معرفی می کند، ولی از آنجا که در سوره و سیاق آیات، کلمه «خیر» به کار نرفته، منظور از شرّ، «آثار و پیامدهای وجودی» هر مخلوقی است؛ و این ویژگی را خداوند حکیم در همه آفریده های خویش قرار داده و همه آنها از آغاز خلقت تا پایان حیات شان، تحت ربوبیت خداوند یکتا قرار دارند. در بخش دوم سوره، آیات ۳ تا ۵، به طور مشخص از آثار و پیامدهای وجودی سه پدیده عالم به عنوان نمونه یاد می شود: هر چیزی که بدون آگاهی قبلی در سر راه زندگی انسان قرار بگیرد و زندگی و تحرّک آدمی را متوقّف یا کُند کند، مانند سیل، زلزله، سرد شدن ناگهانی هوا، پوست موزی که سبب سُر خوردن و شکستگی دست و پای انسان شود؛ دمندگانی که با سخن و حرف های پی در پی خود گره های بردگی و بندگی را برگردن و گرده مردم محکم تر می کنند و باورهای درست و پیمان های شریف شان را سست و باز می کنند؛ و حسودانی که بر داشته های دیگران رشک می برند و در دل و ذهن خود نابودی آنها را چشم انتظارند.

نکات تفسیری:

۱. رب الفلق: ریشه «ف ل ق» چهار بار در قرآن آمده است؛ دو بار به صورت «فالق»، یک بار به صورت «فانلق» و یک بار هم به صورت «فَلَق». فلق شامل هر گونه شکافتن و شکفتن می شود و همه ذرات و اجزای عالم را در بر می گیرد؛ از شکاف دانه و هسته پنهان در دل خاک گرفته تا شکاف صبح روشن و شکافتن دریا به روی حضرت موسی. همه مصادیق و مظاهر فلق در اختیار خداوند و به اذن او و تحت تربیت و مدیریت و برنامه ریزی او قرار دارند.

۲. ما خلق: تعبیر «ماخلق» شامل همه آفریده های خداوند می شود. به عبارت دیگر، انسان ممکن است تحت تاثیر شرارت هر یک از مخلوقات خداوند قرار گیرد. وصف ربّ الفلق نشان می دهد که مخلوقات الهی از آن جهت که ممکن است هر یک از آنها موجب انسداد و بسته شدن و رکود و جمود باشد، شرّ محسوب می شوند؛ زیرا وقتی ربّ الفلق پناهگاه

باشد، معلوم می شود که خطر، از سنخ بسته شدن و انسداد است. از شرّ خطراتی که به هر نحو موجب بسته شدن و نشکفتن انسان می شود، باید به کسی پناه برد که همه باز شدن ها و گشایش ها و شکفتن ها تحت ربوبیت اوست. با این حساب پرواضح است که حتی فرزندان انسان هم ممکن است مایه شرّ او باشند.

۳. نَفَاثَات: برخی از مفسران و مترجمان چنین پنداشته اند که الف و تاء در پایان کلمه نَفَاثَات و حرف تاء در شکل مفرد آن (نَفَاثَة)، علامت مؤنث بودن است. از همین رو، گفته اند که مراد از آن زنانی هستند که در گره ها می دمند و موجب شرارت می شوند. همین تصوّر ناصحیح از این کلمه و کلمات مشابه، به پندار بسیار آفت خیز و ویرانگر زن ستیز بودن قرآن دامن زده است. در حالی که این کلمه هیچ اختصاصی به زن ندارد. با این توضیح که نَفَاثَات جمع نَفَاثَة صیغه مبالغه از «نَفَث» بوده و تاء آخر آن هم تاء مبالغه می باشد. مانند کلمه علامه که جمع آن علامات می شود. پرواضح است که اگر این حرف در پایان صیغه مبالغه قرار گیرد، شدّت مبالغه چند برابر می شود. بنابراین نَفَاثَات موجوداتی هستند که دائماً می دمند. دمیدن آنها به حدی خطرناک است که خداوند از میان همه مخلوقات (ما خلق) از آنها به طور جداگانه یاد می کند و مصمّم است که به واسطه این سوره ما را از شرّ آنها محفوظ داشته و در پناه رب الفلق قرار دهد. این در حالی است که ما از ناحیه آنها اصلاً احساس خطر نمی کنیم و کاملاً ایمن هستیم. قرآن با همین کلمه (نَفَاثَات) وجود چنین موجوداتی را که ممکن است جَنّی یا انسی باشند، به ما گوشزد می کند و خطر آنها را بر ملا می سازد که آنها اصولاً کارشان نفث (دمیدن) است؛ آن قدر می دمند و می دمند تا گره های خوب را باز می کنند و گره های بد را محکم و محکم تر می نمایند.

۴. عُقْد: عُقْد جمع عقده به معنای گره و پیوند است. گستره این کلمه نیز مانند سایر کلمات این سوره، بسیار گسترده است و همه پیوندهای عالم را شامل می شود؛ در هر کجای عالم که گرهی بسته می شود و گروهی شکل می گیرد؛ عقیده و اعتقادی حاصل می شود؛ عقد نکاحی تحقق می یابد و ...، دَمَش های دَمَادِم نَفَاثَات فعّال می شوند تا آنها را اگر خوب و خدایسند

هستند، باز کنند و اگر بد و خداناپسند باشند، جوش بزنند و هرچه بیشتر محکم‌تر و استوارتر نمایند.

سؤال و تمرین:

۱. چرا در این سوره تنها یکی از اوصاف خداوند (رب الفلق) ذکر شده، اما در سوره ناس، بر سه وصف از اوصاف خداوند تأکید شده است؟
۲. چرا کلمه شر در این سوره چند بار تکرار شده و نمونه‌هایی از آن برشمرده شده است، اما در سوره ناس، تنها یک بار آمده است؟
۳. با توجه به معنای لغوی کلمات این سوره، چه مصادیقی برای غاسق و نفاثات در زندگی خود می‌شناسید؟
۴. به نظر شما سوره فلق چه انتظاراتی از ما دارد؟
۵. انواع عقده (پیوند)‌هایی که می‌توانند در معرض دُم‌ش‌های پیاپی نفاثات قرار گیرند، در بیان خود قرآن شناسایی کنید.
۶. فردی که مجهّز به سوره فلق می‌باشد و آن را در قلب خود جای داده است، با کسی که چنین نیست، چه فرق‌هایی دارد؟
۷. تاکنون چندبار این سوره را خوانده‌اید؟ آیا تا به حال، احساس کرده‌اید کسی خطاب به شما می‌گوید: بگو؟!

سورة مباركة اخلاص

نکات آموزشی:

قرائت رسول خدا در مقام آموزش دو ویژگی مهم داشت: ۱) حرف‌ها و کلمه‌ها را به صورتی روشن و مشخص ادا و اظهار می‌کردند: «قِرَاءَةٌ مُّفَسَّرَةٌ حَرْفًا حَرْفًا». بنابراین، در قرائت پیامبر اکرم، ادغام، انقلاب (قلب به میم)، اخفا و اشمام وجود نداشت؛ ۲) در پایان قرائت هر فراز و آیه وقف می‌کردند و سپس فراز و آیه بعدی را می‌خواندند: «يُقَطِّعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً». از این رو، برخلاف رویه معمول که اغلب افراد آیات ۳ و ۴ سورة اخلاص را به هم متصل می‌کنند، بایسته است بر جدا خواندن این دو آیه تأکید شود.

مفردات:

احد: یکتا، از نام‌ها و صفات خدا، گویند مبالغه آن از «واحد» بیشتر است.

صمد: استوار، غیر مجوف (تو خالی نیست، بلکه تو پُر و کامل است)، مرجع، ملجأ، پناه نیازمندان، سید، همه بدو نیازمندند و او از همه بی‌نیاز، غالبی که بر او نتوان غالب شد.

كفوًّا (کف و): همانند، همتا، مانند، کسی که در قدر و منزلت مساوی با دیگری باشد.

سوره‌شناسی:

سورة اخلاص، یکصد و دوازدهمین سورة قرآن مجید در ترتیب مصحف شریف و سومین سورة در ترتیب آموزشی - پژوهشی است که چهار آیه دارد. از دیرباز، این سورة به لحاظ موضوع و مضمون، نزد قاریان و مفسران، «اخلاص»؛ و نزد فقها و متکلمان، «توحید» نام گرفته است. بیست نام و عنوان دیگری که به این سورة داده‌اند، عبارت است از: صمد، تفرید، تجرید، نور، نجات، ولایت، معرفت، جمال، اساس، امان، شافیه، مانعه، مذکره، معوّذه، مقشّقه، منقره، محضّره، برائت و نسبة

الرب یا نسبة الله. نام‌های فوق چندان شهرتی ندارند و آخرین عنوان که گویا مأخذ آن برخی روایات معراج یا بعضی روایات اسباب النزول بوده، مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. از این میان، تنها نام «صمد» که در کهن‌ترین فهرس عناوین سور قرآنی آمده با قاعده کلی نام‌گذاری سور مطابقت دارد. زیرا از يك سوی، کلمه «صمد» تنها يك مرتبه، و از ریشه «ص م د» تنها همین کلمه در قرآن به کار رفته است و از سوی دیگر، با مضامین سوره مناسبت فراوان دارد. با این همه، به گواهی منابع موجود، رسول خدا و صحابه و اهل بیت، این سوره را با توجه به سر آغازش، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» می‌نامیده‌اند و قاطبه محدثان نیز همواره این سنت را معمول داشته‌اند. سوره اخلاص از نخستین سوره‌های نازل شده در مکه معظمه بوده، و سبک و آهنگ بیان آن آشکارا معرف مکی بودن آن است و در روایات منقول از ابن عباس و دیگران نیز در زمره سوره‌های مکی به شمار آمده است. «احد احد» گفتن بلال حبشی در زیر شکنجه‌های هولناک سران مشرکان قریش نیز مؤید نزول آن در مکه است. سوره اخلاص یکی از پنج سوره‌ای است که با فعل امر «قل» آغاز می‌شود، سه تای آنها پیاپی در خاتمه قرآن مجید جای گرفته و با عنوان مشترك «مُعَوِّذَات» نامیده شده‌اند. موضوع اصلی این پنج سوره (ناس، فلق، اخلاص، کافرون و جن) که یک گروه سوره را تشکیل می‌دهند، «اخلاص در دین و توحید در عبادت» است. در این میان، سوره اخلاص بیش از چهار سوره دیگر، بر شعائر توحیدی تکیه دارد. سوره اخلاص در ترتیب جاودانه قرآن مجید، زوج سوره «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» قرار داده شده است و از نظر معنا و موضوع و تعبیر و مضمون، این دو سوره بازتاب بیان یکدیگرند.

نکات تفسیری:

۱. یک قاعده تفسیری از حضرت امام حسین (ع): در رابطه با معنای «صمد» بهترین مطلبی که می‌توان عنوان کرد، تفسیری است که امام حسین (ع) از آن ارائه داده‌اند. آن حضرت در نامه‌ای خطاب به اهل بصره - که از ایشان درباره معنای صمد پرسیده بودند - آنان را از مجادله در معانی الفاظ قرآن نهی کرده و به خود قرآن ارجاع دادند و فرمودند که خداوند خود، صمد را در دو آیه بعدی (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) معنا کرده است (البرهان، ۸۰۵/۵).

۲. امام در این حدیث بیش از آن که در مقام تبیین معنای صمد باشد، در پی آن است که یک قاعده کلی در رابطه با فهم کلمات و مفردات قرآن ارائه دهد و آن قاعده این است که به محض مواجهه با یک کلمه ناآشنا در قرآن، فوراً به سراغ منابع لغوی و تفسیری و... نرویم، بلکه ابتدا در خود قرآن بخصوص در آیات بعدی و قبلی، تدبر کنیم و معنای حقیقی کلمات را عمدتاً از این راه بدست آوریم.

۳. مفهوم صمد در پرتو سوره تبت: سوره های اخلاص و تبت که هم در مصحف شریف و هم در لسان احادیث با هم پیوند خورده اند (مجمع البیان، ۱۰/ ۸۵۵)، بهترین تفسیر را از همدیگر ارائه می دهند. در این سوره با شخصیتی مواجه می شویم که به گواهی تاریخ، ادعای صمدیت داشت. یعنی روی مال و مکنت و دارایی های خود حساب «اغناء» باز کرده بود. سوره اخلاص، او و امثال او را که در میان قوم خود با وصف «صمد» شناخته می شدند (صحیح بخاری، ۶/ ۹۵)، از این اریکه و بارگاه موهوم به زیر افکند و این ردای کبریایی را تنها برازنده قامت خداوند قلمداد کرد.

۴. ترجمه صحیح دو آیه پایانی سوره اخلاص: همه می دانیم آنچه در ترجمه دو آیه آخر این سوره مشهور و معروف است، این است که خداوند نه زاده است و نه زاده شده است و نه کسی همتای اوست. البته برخی هم ترجیح داده اند که جهت رعایت ادب، کلمه زادن یا زاییدن را به کار نبرند و مثلاً بگویند: او نه فرزند دارد و نه خود فرزند کسی است و... این ترجمه به هیچ روی نمی تواند درست باشد. توضیح آنکه تعبیر «له کفواً احد» فقط به «لم یکن» بر نمی گردد، بلکه «لم یلد» و «لم یولد» را نیز در بر می گیرد. به این صورت: «لم یلد له کفواً احد»، «لم یولد له کفواً احد» و «لم یکن له کفواً احد»؛ یعنی: هیچکس برای خداوند همتایی نزاده است و هیچکس به عنوان همتای او از مادر زاییده نشده است و هیچکس همتای او نبوده است و نخواهد بود.

۵. مخاطبه با قرآن کریم: در برخی از احادیث توصیه شده است که به هنگام فراغت از تلاوت سوره اخلاص بگوییم: «کذلک الله ربی» (البرهان، ۵/ ۸۰۱). این قبیل توجهات که در واقع، مصادیقی از مخاطبه با کلام الله هستند و در کتب حدیثی شیعی و سنی قابل

بازیابی‌اند، یکی از حوزه‌های بسیار مهم در امر قرائت قرآن به حساب می‌آید. بنابر تعالیم پیامبر اکرم و امامان اهل بیت، سزاوار است که قرآن به صورت زنده و فعال قرائت و تلاوت شود. اگر در قرائت قرآن به این مرحله دست نیابیم و صرفاً کلام خدا را قرائت کنیم، در این صورت ما فقط یک راوی خواهیم بود که کلام خدا را به نقل از پیامبر اکرم روایت می‌کنیم و این، به جای خود فضیلت بسیار بزرگ و با ارزشی است و از مقام و منزلت بسیار بالایی برخوردار است، اما معصومین (ع) به ما آموخته‌اند که این قرائت را فعال‌تر کنیم و بر این فضیلت بیافزاییم و آثار و برکات قرائت قرآن را چندین و چند برابر کنیم.

۶. البته باید توجه داشت، مفهوم این حدیث این نیست که همیشه به هنگام قرائت این سوره باید این جمله را بر زبان آوریم یا به وقت قرائت سوره یا آیه‌ای دیگر، جملات خاص و املا شده دیگری را بگوییم، بلکه مراد این است که به هنگام قرائت قرآن متوجه باشیم تحت تعلیم و تربیت الهی هستیم و باید آثار این تعلیم و تربیت را در ذهن و زبان خود پیاده کنیم. عباراتی که در این احادیث مطرح شده‌اند، صرفاً از باب نمونه می‌باشند و جزء متن قرآن هم نیستند و به هر زبانی می‌توان آنها را تکرار کرد و این قبیل مخاطبه‌ها را گسترش داد و بدین سان قرائت و تلاوت قرآن را فعال‌تر و کاربردی‌تر ساخت. به عبارت دیگر، این قبیل عبارات و تعبیرات از سوی قاری قرآن در واقع «قرآن صاعد» است که در برابر «قرآن نازل» و به عنوان پاسخ و انعکاس آن و درس پس دادن به صاحب قرآن از سوی قرآن آموز ابراز می‌شود.

سؤال و تمرین:

۷. از این که کلمه «احد» هم در آغاز و هم در پایان این سوره ذکر شده است، چه نکته‌هایی را می‌توان دریافت؟
۸. چرا در بیان احادیث بر مقطع (آیه آیه) خواندن این سوره تأکید شده و قرائت یکپارچه آن مورد اکراه قرار گرفته است؟
۹. شخصی مانند بلال حبشی، چرا و به چه حساب، بیش از دیگران تحت تأثیر این سوره مخصوصاً کلمه «احد» قرار می‌گیرد؟ راز مساله در کجاست؟

۱۰. کلمه «هو» در این سوره چه جایگاهی دارد؟ و سوره اخلاص بدون آن با چه

کمبودی مواجه می شود؟

۱۱. ما که هر روز چندین بار این سوره را می خوانیم، آیا گفتمان «هو الله احد» و «الله الصمد»

و...، بر فکر و ذکرمان حاکم شده است یا نه؟ اگر نه مشکل کجاست؟